

## مجموعه مباحث اخلاقی

### سوء ظن منشاء و آثار آن

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۳۰ آبان ماه ۱۳۸۶

---

۱۰ ذی القعدة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله  
على أعدائهم أجمعين .

إلهي فكما غديتنا بلطفك وربيتنا بصنعك فتمم علينا سوابغ النعم  
وادفع عنا مكاره النقم وآتنا من حظوظ الدارين أرفعها وأجلها عاجلاً  
وآجلاً ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك حمداً يوافق رضاك  
ويمتري العظيم من برك ونداك يا عظيم يا كريم برحمتك يا أرحم  
الرحامين»<sup>(١)</sup> .

ای خدا! چنانکه ما را از اول به لطف خود غذا دادی و در مهد حکمت و صنعت  
پرورش دادی ، پس نعمتهای بی حدت را بر ما به اتمام رسان و ناگواری های  
انتقامت را دفع گردان و به ما در دو عالم حظّ و بهره ای بالاتر و بزرگتر کرامت  
فرما ، [که] زود و پایدار [باشد] ، و ستایش مخصوص توست بر ابتلاء و  
آزمایش نیکویت و وفور نعمتهایت آن گونه ستایشی که پسند توست و  
احسان و عطای بزرگ تر را بر ما قرار می دارد ای پروردگار بزرگ ! باکرم و  
احسان ، به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان .

۱- مناجات خمسة عشر- مناجات الشاکرین .

## دو فواستة مهمه؛

در جلسات گذشته فراهایی از مناجات شاکرین را توضیح دادیم. در این فراهای پایانی نیایش، امام سجّاد علیه السلام دو درخواست مهم از محضر خداوند متعال می‌نمایند.

نخستین تقاضا، درخواست اتمام همه نعمتها و دفع همه شرور و ناگواریها است. آنجا که می‌فرمایند:

«فتمم علينا سوابغ النعم وادفع عنا مكاره النقم».

تقاضای دوم، به صورت شکر و سپاس از درگاه حضرت حق (جلّ و علا) است که آزمایشها و امتحانات عبد را به شکلی نیکو مقرر فرموده و نعمتها را به وفور در اختیارش قرار داده است.

«ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك».

## سرپنجمه فواستة امام سجّاد علیه السلام؛

نخستین خواهش امام سجّاد علیه السلام بهره‌مندی از همه نعمات و آلائی است که خداوند متّان برای بندگانش در دنیا (عاجل) و آخرت (آجل) مقرر فرموده است.

در رابطه با خواسته امام زین العابدین علیه السلام از درگاه ایزد متّان دو

احتمال وجود دارد؛

۱ - سرچشمه و منشأ تقاضای ایشان، زیاده خواهی، حرص، طمع و عدم قناعت می باشد. به عبارت دیگر خواسته امام علیه السلام ریشه در سیئات اخلاقی دارد.

۲ - خواهش امام علیه السلام ریشه در حسنات و ملکات پسندیده اخلاقی دارد و از آنجا سرچشمه گرفته است.

احتمال نخست قطعاً نادرست و نپذیرفتنی می باشد؛ زیرا حرص، طمع و زیاده خواهی از صفات ناپسند اخلاقی است و در قرآن مجید و روایات مورد مذمت واقع شده است. بدیهی است که امام علیه السلام که جانشین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و ادله عقلی و نقلی بسیاری بر عصمت ایشان قائم است، نمی توانند چنین صفات مذمومی داشته باشند.

### بدگمانی منشأ رذایل اخلاقی؛

ریشه و سرچشمه برخی از صفات زشت اخلاقی یاد شده در سوء ظن و بدگمانی نسبت به ذات اقدس ربوبی است؛ به همین دلیل در این جا به بررسی این بیماری و منشأ و ثمرات آن می پردازیم.

بدگمانی، آثار بسیار خطرناک و ویرانگری برای فرد و جامعه در پی دارد و برای درمان آن نباید حتی لحظه ای را از دست داد. متأسفانه این

بیماری آنقدر خزننده و سریع در انسان ریشه می‌دواند که آدمی از درمان آن غافل می‌گردد و به علاج آن نمی‌پردازد. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی سرچشمه سه صفت ناپسند اخلاقی را در بدگمانی نسبت به خداوند متعال می‌داند و می‌فرماید:

«فإنَّ البخل والجبن والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظن بالله»<sup>(۱)</sup>.

به درستی که، بخل، ترس و حرص غرایز گوناگونی هستند که در بدگمانی به خداوند گرد آمده‌اند.

گوهر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به این معنا است که صفات رذیله‌ای چون، بخل، هراس و طمع هر یک به نوعی ریشه در سوء ظنّ به خداوند متعال دارد. اگر آن سرچشمه خشک شود این صفات ناپسند نیز از بین می‌روند. برای درمان این بیماری‌ها نخست باید، به درمان بدگمانی نسبت به ذات اقدس ربوبی پرداخت.

انسانی که به رازقیّت خداوند متّان سوء ظنّ دارد، بخیل است و در معیشت روزانه خود بسیار امساک می‌ورزد؛ زیرا می‌ترسد که دارایی و ثروتش به پایان رسد.

انسانی که سراپای وجود او را حرص و طمع فرا گرفته است و در هر آن و لحظه‌ای به فکر ثروت‌اندوزی و انباشت سرمایه است قطعاً نسبت به

۱- نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، نامه ۵۳.

تدبیر و حکمت خداوند سبحان بدگمان است؛ در غیر این صورت رفتار او می‌بایست به گونه‌ای دیگر می‌بود. او می‌بایست چنین بیان‌دیشد که خداوندی که به من فضل و رحمت نموده و ثروت عطا کرده است، دوام این فضل را از من دریغ نمی‌دارد و لازم نیست همه تلاش و کوشش من صرف جمع‌آوری ثروت گردد.

همچنین انسان ترسو به حفیظ بودن خداوند متعال بدگمان است؛ چنین انسانی از سایه خود نیز می‌هراسد و همه را دشمن خود می‌پندارد. او لحظه‌ای درنگ و تأمل نمی‌کند که خداوند متعال حافظ و نگهبان ما است و این ترس بیش از حد، بی‌مورد است.

با اندکی تأمل در سوره حجرات می‌توان به زوایای دیگر این بیماری و آثار آن پی برد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید، و هیچ یک از شما

۱- سوره حجرات، آیه ۱۲.

دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از این امر کراهت دارید، تقوی الهی پیشه کنید. که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

در این آیه شریفه خداوند متعال ما را از سوء ظنّ بر حذر می‌دارد و آن را به عنوان یک گناه معرّفی می‌کند؛ سپس دو صفت ناپسند اخلاقی را ذکر می‌نماید که ریشه در بدگمانی نسبت به انسان‌ها دارد. این دو صفت عبارتند از «تجسس و غیبت». ریشه تجسس، و دریدن حریم شخصی افراد و آگاهی از اسرار آنان، در بدگمانی نسبت به دیگران است. اگر در این اندیشه باشیم که همه دشمن ما هستند و می‌خواهند به ما آسیب برسانند، برای جلوگیری از زیان آنان باید به اسرارشان آگاه گردیم.

اما اگر چنین پنداری نداشته باشیم و نسبت به دیگران حسن ظنّ داشته باشیم، هیچگاه به تجسس نمی‌پردازیم.

همچنین غیبت و پشت سر دیگران - اعمّ از مؤمن و غیر مؤمن - سخن گفتن و حرمت دیگران را دریدن سرچشمه در سوء ظنّ به افراد دارد.

### سوء ظنّ در لسان (روایات):

در این زمینه، روایات فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.



امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

«الریبة توجب الظنة»<sup>(۱)</sup>.

بدگمانی موجب تهمت زدن به دیگران می گردد.

«من كثرت ريبته كثرت غيبته»<sup>(۲)</sup>.

هر کس بدگمانی اش زیاد شود، غیبتش هم زیاد می شود.

«من حسن ظنُّه، حسنت نيته».

هر که دارای حسن ظنّ باشد، نیت نیکی خواهد داشت.

اگر به درمان بیماری بدگمانی پردازیم و در این امر موفق شویم، بسیاری از صفات ناپسند ما از بین می روند و به صفاتی بسیار زیبا چون نیت نیک و پاک دلی آراسته می گردیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

«إنَّ الله سبحانه يحبُّ أن تكون نيّة الإنسان للناس جميلة»<sup>(۳)</sup>.

خداوند سبحان دوست دارد که نیت انسانها نسبت به مردم زیبا باشد.

بر اساس عقل سلیم و متون دینی، بدخواهی نسبت به دیگران ممنوع است و ما اجازه نداریم که بی مورد نسبت به دیگران فکر و اندیشه سوء داشته باشیم.

۱- غرر الحکم، حدیث ۳۴۶.

۲- غرر الحکم، حدیث ۸۰۹۴.

۳- غرر الحکم، حدیث ۳۷۰۳.

نکته مهم و قابل توجه در مورد سوء ظنّ این است که انسان بدگمان  
بیش از هر کس به روح و روان خود آسیب می‌رساند و آسایش خود را سلب  
می‌کند. در مقابل، انسانی که به مردم گمان نیک می‌برد، پیش از همه خودش  
در آسایش و آرامی خواهد بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«من لم يحسن ظنّه استوحش من كلّ أحد»<sup>(۱)</sup>.

هر کس که نسبت به دیگران گمان نیک نداشته باشد از همه هراسان است.

«حسن الظنّ راحة القلب»<sup>(۲)</sup>.

حسن ظنّ آسایش قلب را به همراه دارد.

مؤمنی را در نظر بگیرید که گرفتار سوء ظنّ باشد. به همین دلیل  
صفات ناپسندی چون غیبت، تهمت، جاسوسی، حرص، بخل و ترس  
دامن‌گیر او می‌گردد. آیا چنین شخصی با این کوله بار از زشتی‌های اخلاقی  
می‌تواند دین خود را پاس دارد؟

انسانی که دچار بدگمانی است به محض اینکه سخنی را بشنود آن را  
به بدترین وجه حمل می‌کند و هنگامی که رفتاری را مشاهده نماید آن را  
اهانت و هتک حرمت خود می‌پندارد.

به عنوان مثال اگر شخص بدگمانی وارد مجلسی شود و یکی از حضار به  
احترام او بر نخیزد، بدون اندکی تأمل می‌گوید: آری، او دیر زمانی است که

۱- غرر الحکم، حدیث ۹۰۸۴.

۲- عیون الحکم والمواعظ، صفحه ۲۲۹.

قصدها به من را دارد و اکنون می‌خواست به من بی‌احترامی کند، که از جای خود برنخاست. حال آنکه در واقع آن شخص هیچ منظوری نداشت و فقط غرق در افکار خود بود.

با توجه به آیات و روایاتی که نقل نمودیم احتمال نخست - یعنی ریشه داشتن دعا در سیئات اخلاقی - مردود می‌گردد. تقاضای امام سجّاد علیه السلام نمی‌تواند ریشه در زیاده‌خواهی، حرص و طمع داشته باشد؛ زیرا این گونه صفات از جمله رذایل اخلاقی به شمار می‌روند، و این رذایل هیچگاه بر زبان ائمه علیهم السلام در قالب نیایش و دعا جاری نمی‌شوند.

### حرص و طمع در روایات:

برای اینکه به آثار زینبار این بیماری‌ها بیشتر آگاه گردیم، روایتی چند از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کنیم.

«الحریص تعب»<sup>(۱)</sup>.

انسان حریص همیشه بیمار است.

برخی از رذایل اخلاقی موجب آزار و اذیت دیگران می‌گردد، اما برخی دیگر از رذایل چون حرص بیشتر از آنکه متوجه دیگران گردد به شخص مبتلا صدمه می‌زند، و نوعی خود آزاری می‌باشد.

۱- غرر الحکم، حدیث ۲۴۱.

«الحريص عبد المطامع»<sup>(۱)</sup>.

انسان حریص بنده طمع می باشد.

«الحريص أسير مهانة لا يفك أسره»<sup>(۲)</sup>.

انسان حریص در بند پستی است و از آن رها نمی گردد.

«الحريص فقير ولو ملك الدنيا بحذا فيرها»<sup>(۳)</sup>.

انسان حریص فقیر است هر چند که مالک تمام دنیا باشد.

«الطمع رِقٌّ مؤبَّد»<sup>(۴)</sup>.

طمع کاری بندگی همیشگی است.

انسان حریص همیشه احساس فقر می کند و حتی اگر تمام ثروت زمین

را در دست داشته باشد، آتش حرص و طمع او آرام نمی گیرد.

### زیانهای بدگمانی؛

تا بدین جا بیان کردیم که سوء ظنّ سر چشمه بسیاری از بیماریها

می باشد و در رابطه با آن بیماریها کمی سخن گفتیم. حال به این مسأله

می پردازیم که چه آثار و ثمراتی بر این بیماریها مترتب می شود. به همین

۱- غرر الحکم، حدیث ۶۲۵.

۲- المعارج، صفحه ۱۹.

۳- غرر الحکم، حدیث ۱۷۵۳.

۴- بحار الانوار، جلد ۷۰ صفحه ۱۷۰.

منظور از دریای بیکران روایات چند فطره‌ای بر می‌گیریم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«المذلة والمهانة والشقاء في الحرص والطمع»<sup>(۱)</sup>.

ذلت، خواری و سنگ دلی در حرص و طمع می‌باشد.

حضرت علیه السلام در این روایت بیان می‌فرمایند که آثار و نتایج سوء حرص و طمع عبارت است از ذلت، پستی و سنگ دلی. انسان حریص از یک سو برای به دست آوردن خواسته‌های خود به هر ذلتی تن در می‌دهد و از طرف دیگر برای از دست ندادن داشته‌هایش بسیار پست و سنگ دل می‌شود. اگر در برابر چشمانش کسی از شدت گرسنگی در حال مرگ باشد به هیچ وجه به او کمک نمی‌کند و بدون اندکی ناراحتی و افسوس از کنار وی می‌گذرد.

«سوء الظن يفسد الامور ويبعث على الشرور»<sup>(۲)</sup>.

بدگمانی کارها را فاسد می‌کند و انسان را به سوی شر سوق می‌دهد.

این بیماریها دارای آثار مخرب و ویرانگر فردی و اجتماعی می‌باشند. اگر اندکی به حوادث پیرامون خود توجه کنیم و آنها را ریشه‌یابی نماییم، در خواهیم یافت که ریشه بسیاری از جنایتها، قتلها و خیانتها در سوء ظن و بدگمانی نسبت به دیگران است.

۱- عیون الحکم و المواعظ، صفحه ۶۴.

۲- غرر الحکم، حدیث ۵۵۷۵.

در روایتی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«من غلب علیه سوء الظنّ لم يترك بينه وبين خليل صلحا»<sup>(۱)</sup>.

سوء ظنّ بر هر کس غلبه کند، راه صلح و آشتی میان او و دوستانش را سدّ می‌کند.

انسانی که گرفتار سوء ظنّ است و به پیرامون خود با عینک بدبینی می‌نگرد، پلهای ارتباطی خود را با دیگران ویران می‌کند. چنین انسانی به هیچ وجه نمی‌تواند با دیگران طرح دوستی بریزد و در صورت دوستی، رفاقت او دوام ندارد و از هم فرو می‌پاشد.

یکی دیگر از آثار سوء ظنّ از بین رفتن ایمان است.

«ولا إيمان مع سوء الظنّ»<sup>(۲)</sup>.

با وجود بدگمانی ایمان وجود ندارد.

«آفة الدين سوء الظنّ»<sup>(۳)</sup>.

آفت و بیماری دین، بدگمانی است.

از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که سلامت دین در خوش گمانی

است.

در روایتی آمده است:

۱- غرر الحکم، حدیث ۸۹۵۰.

۲- غرر الحکم، حدیث ۱۰۵۳۴.

۳- غرر الحکم، حدیث ۳۹۲۴.

«والله ما أعطي مؤمن قط خير الدنيا والآخرة إلا بحسن ظنه بالله  
ورجائه له»<sup>(۱)</sup>.

به خدا سوگند خیر دنیا و آخرت به مؤمنی عطا نشده است مگر با خوش گمانی  
و امیدواری از خدا.

### منشأ پیدایش بدگمانی؛

مناسب است در این جا در رابطه با عوامل پیدایش بدگمانی مطالبی  
بیان نماییم. سوء ظنّ یک نوع بیماری است اما منشأ پیدایش آن وراثتی و به  
عبارتی مادرزادی نیست. از بدو تولّد آدمی دچار این بیماری نیست. این  
بیمار اکتسابی است و بیشتر در اثر همنشینی با دیگران به افراد منتقل می شود؛  
بنابر این برای جلوگیری از ابتلاء به این بیماری باید از هم صحبتی و مجالست  
با این بیماران بر حذر باشیم.

در این رابطه امیرالمؤمنین عليه السلام می فرماید:

«مجالسة الأشرار تورث سوء الظنّ بالأخيار»<sup>(۲)</sup>.

همنشینی با انسانهای شرور باعث بدگمانی به پاکان می گردد.

همنشینی با انسانهای فاسد و پست ما را گرفتار سوء ظن می کند. این  
روایت تأثیر محیط در ایجاد این بیماری را به ما گوشزد می کند. محیط اطراف

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۷۱.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۴ صفحه ۱۹۷.

ما، محیطی آلوده می‌باشد و دستگاه‌های تبلیغاتی مسموم هر لحظه ما را بمباران می‌کنند و انواع و اقسام خواسته‌های کاذب را در ذهن و جان ما به گونه‌ای القاء می‌کنند که گویی که بدون در دست داشتن آنها زندگی بسیار سخت و محال می‌باشد. در این میان، انسانی هنرمند و خود ساخته است که که علی‌رغم حضور در این محیط آلوده، نه تنها بیمار نشود بلکه به درمان بیماران نیز پردازد؛ و گر نه آنکه به دور از آلودگیها خود را پاکیزه نگه دارد، هنری به خرج نداده است.

در این زمینه شاعر می‌گوید:

بدیدم عابدی در کوهساری	قناعت کرده از دنیا به غاری
بدو گفتم به شهر اندر نیایی	که باری بند از دل بر گشایی
بگفت آنجا پری رویان نغزاند	که گل بسیار شد پیلان بلغزند

### هشدار به محصلین؛

در این جا تذکری به محصلین و دانشجویان به طور عام و طلاب علوم دینی به طور خاص خالی از فایده نمی‌باشد. کسانی که گام در راه تحصیل علم نهاده‌اند باید نسبت به محیط و دوستان خود حساسیت ویژه‌ای داشته باشند. این گروه باید مواظب باشند که قدم به هر محلی نگذارند و با هر کسی طرح دوستی نریزند. معاشرتهای بیهوده موجب ظهور بسیاری از مفسد اخلاقی



می‌شود و انسان را گرفتار بیماریهایی می‌کند که با تدریس و تحصیل منافات دارد.

طلّاب علوم دینی در ابتدای راه پاک هستند؛ ولی پس از آن ممکن است در اثر برخی از همنشینی‌های ناشایست آلوده شوند و در انتها اگر فضل خدا شامل حال آنان شود هدایت می‌شوند؛ همانند انگور که نخست طاهر است، اما اگر در ظرفی بماند و غلیان نماید نجس می‌شود و سپس اگر دو سوّم آن بخار شود پاک می‌گردد.

در ابتدای تحصیل نباید زیاده خواه بود. آرزوی این که همه امکانات مادی یکجا برای طلبه مهیا شود، چندان معقول نیست. سخن در این نیست که رفاه معیشتی با تحصیل ناسازگار است. اگر فضل خداوند سبحان شامل انسان گشت و بدون مزاحمت با تحصیل و مخالفت با عبودیت از زندگی مادی بهره‌ای برد هیچ اشکالی ندارد. اشکال در این است که فرد محصل برای برخوردار شدن از زندگی مرفّه، معارف اهل بیت علیهم‌السلام که گوهر گرانبهایی است را کنار بگذارد و تمام همّ و غم او جمع‌آوری ثروت گردد. تحصیل علم و کسب معرفت با دنیا خواهی و حرص منافات دارد. اشتغالات جانبی و فعالیت‌های مادی با حضور در حوزه و تحصیل ناسازگار است. کسانی که در این تفکر و اندیشه باشند دیری نمی‌پاید که تحصیل را رها می‌کنند و به کسب و کار می‌پردازند و یا خدای نا کرده به حضور بی محتوا و بی فایده خود در حوزه

ادامه می‌دهند و تمام وقت و توان خود را برای ثروت اندوزی می‌گذرانند.  
باید به خداوند متّان حسن ظنّ داشته باشیم؛ چرا که او به هر کاری  
تواناست و همه چیز در دست اوست.

أزّمة الامور طرّاً بيده والكلّ مستمّدة من مدده<sup>(۱)</sup>

سر چشمه همه امور در دست اوست و همه از او یاری و مدد می‌جویند.  
خداوند سبحان، تمام نیازهای ما را - چه از آنها خبر داشتیم و  
درخواست کردیم یا نه - به ما مرحمت فرموده است.

﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ  
كَفَّارٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

از هر چیزی که از او خواستید به شما داد، و اگر نعمتهای خدا را بشمارید  
هرگز آنها را شماره نتوانید کرد. انسان ستمگر و ناسپاس است.  
طبع بشر ستمگری و ناسپاسی است؛ ولی اگر درست بنگریم، در  
خواهیم یافت که خداوند متّان هر چه خواستیم به ما داده است و هر چه که  
نمی‌خواستیم و در نظر نداشتیم ولی به آن نیاز داشتیم را نیز به ما عنایت  
فرموده است.

ما نبودیم و تقاضامان نبود لطف حق ناگفته ما می‌شنود<sup>(۳)</sup>

۱- شرح منظومه سبزواری، جلد ۲ صفحه ۳۴.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۴.

۳- مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۶۱۰.

خداوند متعال ما را آفرید، در حالی که ما این خواهش را از خداوند  
نداشتیم. او ما را به بهترین شکل خلق کرد.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

ما انسان را به بترین صورت و نظام آفریدیم.

خدایی چنین مهربان و لطفی چنین واسع، جا دارد که تمام خواسته  
هایمان را در جمله‌ای خلاصه کنیم و بگوییم:

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾<sup>(۲)</sup>.

پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما  
را از عذاب آتش نگاه دار.

### یادی از حضرت امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام:

در آستانه میلاد مسعود و میمون ثامن الحجج علیه السلام قرار داریم. هنگامی  
که سخن از امامت و ولایت به میان می‌آید زبان گویندگان الکن و قلم  
نویسندگان و عقل خردمندان ناتوان می‌گردد.  
ائمه اطهار علیهم السلام در همه ابعاد وجودی در بالاترین قله‌های کمال قرار

۱-سوره تین، آیه ۴.

۲-سوره بقره، آیه ۲۰۱.

دارند. عبادت آنان در محضر ذات اقدس ربوبی خارج از درک و وصف ما می‌باشد.

امام رضا علیه السلام هنگامی که پیراهن خود را به دعبل به خاطر اشعاری که سروده بود هدیه دادند، فرمودند:

«إحتفظ بهذا القميص، فقد صلّيت فيه ألف ليلة ألف ركعة وختمت فيه القرآن ألف ختمة»<sup>(۱)</sup>.

از این پیراهن مراقبت کن؛ زیرا من در آن هزار شب، هزار رکعت نماز گذاردم و هزار بار قرآن را ختم نمودم.

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب گرانقدر عیون اخبار الرضا علیه السلام نقل می‌کند که شخصی، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در عالم رؤیا مشاهده نمود و از ایشان پرسید: «کدام یک از فرزندان شما را زیارت نمایم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمودند:

«من هو أقرب منك بالمجاورة وهو مدفون بأرض الغربية. فقلت: يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تعني الرضا علیه السلام؟ فقال صلی الله علیه و آله و سلم: قل: صلّى الله عليه قل صلّى الله عليه ثلاثاً»<sup>(۲)</sup>.

۱- رجال نجاشی، صفحه ۲۷۷.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۳۱۴.

آن فرزندی از من که در نزدیکی و همسایگی توست را زیارت نما که در سرزمین غربت به خاک سپرده شده است .

عرض کردم: منظور شما حضرت رضا علیه السلام می باشد؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ سه بار فرمودند: بگو: درود خدا بر او باد [به جای آنکه بگویی سلام بر او].

امام رضا علیه السلام دارای القاب شریفه متعددی می باشند. یکی از القاب آن حضرت، «سراج الله»<sup>(۱)</sup> می باشد. اگر در این لقب شریف تأمل کنیم، در می یابیم که کلمه (سراج) به اسم ذوالجلال ربوبی (الله) اضافه شده و حضرت به آن ملقب شده اند با اندکی دقت ادبی، به این مطلب پی می بریم که مضاف از مضاف الیه خود جمیع صفات جمالیه و جلالیه را کسب کرده است این بدان معنا است که وجود مبارک ثامن الحجج علیه السلام به اذن خداوند مستجمع جمیع صفات حضرت حق (سبحانه و تعالی) می باشند.

وجود مبارک حضرت ثامن الحجج علیه السلام نعمتی است که نصیب ما ایرانیان شده است ولی متأسفانه قدر این نعمت و این گوهر گرانبها را نمی دانیم و نخواهیم دانست .

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«یقتل حفدتی بأرض خراسان فی مدینه یقال لها: طوس، من زاره إلیها

۱- مناقب شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۴۷۵.

عارفاً بحقه أخذته بيدي يوم القيامة فأدخلته الجنة وإن كان من أهل  
الكبائر»<sup>(۱)</sup>.

یکی از فرزندانم در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس به شهادت  
می‌رسد، هر که او را با معرفت زیارت نماید، من در روز قیامت دستان او را  
می‌گیرم و به بهشت می‌برم هر چند که گناهان کبیره انجام داده باشد.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

---

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۲۹۰.



... صفات رذیله‌ای چون ، بخل ، هراس و طمع هر یک  
به نوعی ریشه در سوء ظنّ به خداوند متعال دارد . اگر آن سر  
چشمه خشک شود این صفات ناپسند نیز از بین می‌روند .  
برای درمان این بیماری‌ها نخست باید ، به درمان بدگمانی  
نسبت به ذات اقدس ربوبی پرداخت .  
( صفحه ۶ از همین جزوه )

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)  
پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

### محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹



